



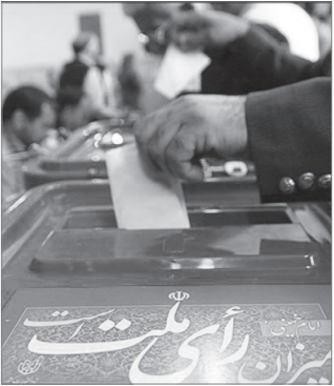
اصول 📖 عدالتخواهی

به خودمان هم با ِیستی عدل بورزیم

ما وقتی که در باب عدالت بحث می کنیم - عدالت در روابط اجتماعی، عدالت در تشکیل نظام اجتماعی - نمی‌توانیم از عدالت نسبت به خودمان غفلت کنیم. به خودمان هم باید ظلم نکنیم. به خودمان هم بایستی عدل بورزیم. نقطه‌ی مقابل این «قد جرت علی نفسی»، همان عدل است. جور نکنیم، عدل داشته باشیم. اگر خدای متعال توفیق بدهد که ما از این ظلم اجتناب کنیم، بنده امید فراوانی دارم که توفیق خواهد داد که در محیط جامعه هم ان‌شاءالله بتوانیم عدل را برقرار کنیم. ● ۹۰/۲/۲۷

انتخاب 🗳️ اصلاح

شعارهای تبلیغاتی نامزدها را با واقعیات بسنجید



شعارها را نگاه کنید، ببیند شعارهایی که تعیین می کنند، چه جور شعارهایی است؟ گاهی بعضی‌ها - البته اشتباه می کنند - برای جلب آراء، شعارهایی می دهند که این شعارها از حدود قدرت و اختیار ائشان بیرون است؛ اینها را مردم هوشمند ما می توانند بشناسند، مراقبت کنند، دقت کنند. آنچه که برای مردم لازم است، آنچه که فوریت بیشتری دارد، آنچه که با واقعیات و امکانات کشور سازگار است، آنچه که به افزایش قدرت درونی ملت می انجامد، آنها را در شعارهایشان بگنجانند؛ این یکی از معیارها است. ● ۹۲/۲/۲۵

برادرها! امروز روز کار است
برادرها! امروز روز کار است. هر کس در هر جا هست باید کار بکند. ما می خواهیم خودکفا باشیم؛ خودکفایی را با تبلیغات نمی شود کرد، با کار می شود کرد... دانشگاه که در رأس امور هست و تقدیرات یک کشوری، مقدرات یک کشوری

بسته به وجود آنهاست، باید جدیت بکنند که روی خودشان را از غرب و شرق برگردانند و به صراط مستقیم، به سوی کعبه‌ی آمال، به سوی خدای تبارک و تعالی توجه کنند و جوانان را بسازند برای آتیه این کشور. و من امیدوارم که همه‌ی ما موفق بشویم به خدمت، شمایی که در

● ۲۶ دیماه ۱۳۶۱

اخلاق 📖 انقلاب‌گری

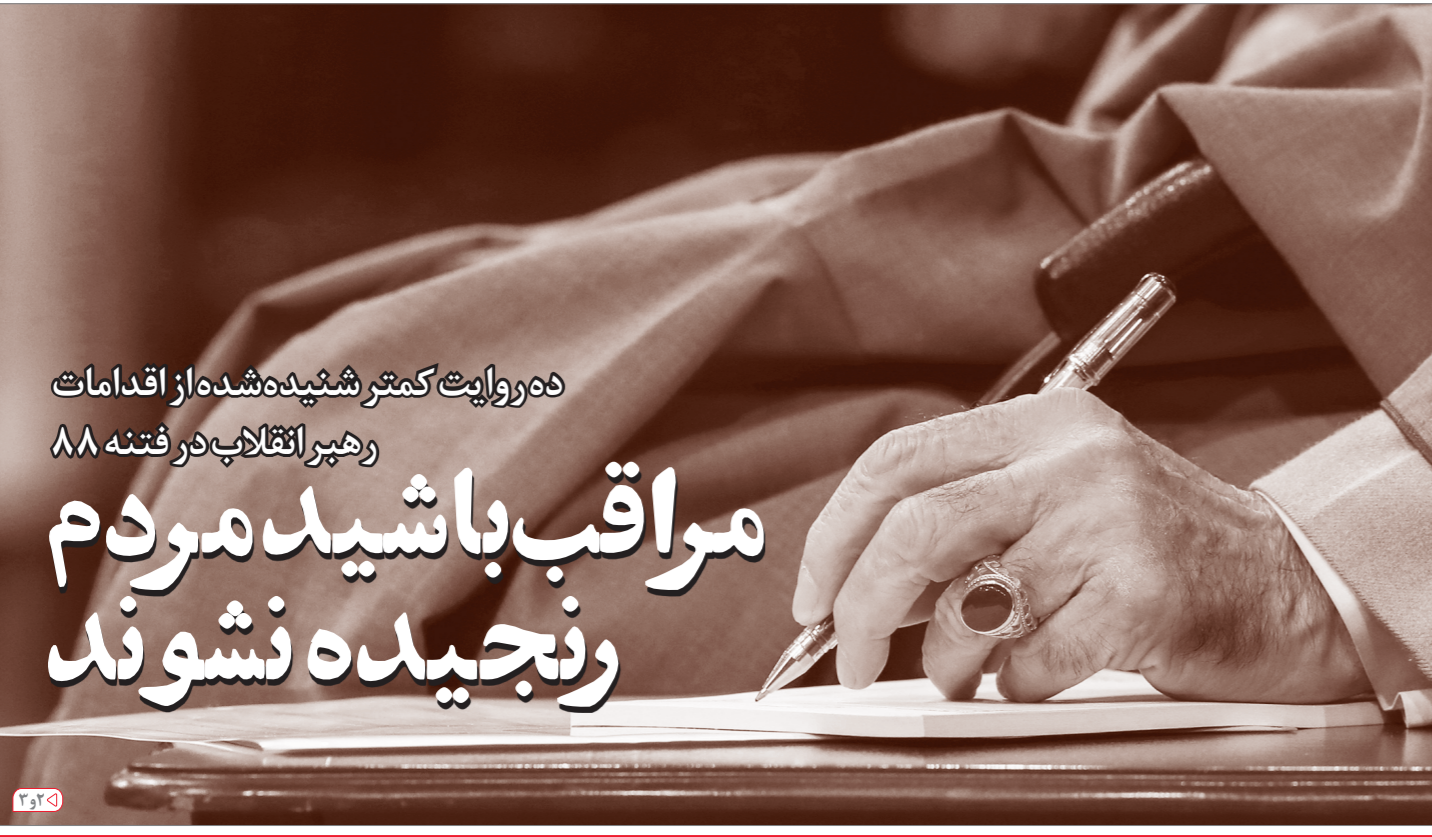
دستگاه‌های انقلاب سرشان گرم کارهای غیر مفید نشود

مراقب باشیم دستگاه‌های انقلاب سرشان گرم کارهای غیر مفید و احیاناً مضر در این حرکت پیشرونده نشود، که یکی از اینها، همین مسئله‌ی اختلافات است، که من اگر روی اینها تکیه می‌کنم، به خاطر این است. یک وقت هست که یک جریانی در مقابل انقلاب می‌آید قد علم می‌کند به قصد کوبیدن انقلاب، خب، وظیفه‌ی هر کسی است که دفاع کند. انقلاب از خودش دفاع می‌کند، مثل هر موجود زنده‌ی دیگری. انقلابی که نتواند در دوران فتنه، در دوران ایجاد کودتاهای گوناگون -سیاسی و نظامی و امثال اینها- از خودش دفاع کند، زنده نیست. این انقلاب زنده است؛ لذا از خودش دفاع می‌کند، غالب هم می‌شود، پیروز هم می‌شود، برو برگرد هم ندارد؛ کما اینکه در سال ۸۸ دیدید این کار اتفاق افتاد. ● ۹۰/۴/۱۳

خاندان 📖 ویرانی

اوّل بار هر وئین راجه کسی به ایران آورد

اُدر دوران پهلوی اُسعی می‌شد معنویت ازاله شود؛ اما امروز چراغ معنویت در بین مردم روشن و پُر فروغ است. آن روزها جوان‌ها عمداً به فساد کشانده می‌شدند. شاید شما شنیده‌اید که رؤسای کشور و خانواده‌هایشان، مهم‌ترین شرکای باندهای مواد مخدّر در این کشور بودند! اوّل بار آنها هروئین را به این کشور آوردند و پخش کردند. فساد و اعتیاد و بدبختی را به دست خودشان ترویج می‌کردند. امروز شما می‌بینید که نظام، با همه‌ی وجود و با تلاش فراوان، در مقابل این مشکلات ایستاده - که همه‌ی دنیا هم کار او را تصدیق می‌کنند - اما آن روز برای مسئولان کشور کارهای نمایشی در درجه‌ی اوّل بود. ● ۹۲/۱۲/۲۲



امکاناتشان را بسیج کنند و به این مردم کمک نمایند... ما آمدیم به شما تسلیت عرض کنیم و به شما بگوییم که در غم‌تان شریک هستیم؛ اگر چه شما خودتان هم این را می‌دانید. بنده دلم از شما جدا نیستم. جوانانی که در این حادثه از دست رفتند و عزیزی که دل‌ها را داغدار کردند، عزیزان خود ما هستند؛ اینها مثل فرزندان خود من هستند؛ حقیقتاً و عمیقاً دل ما را هم داغدار کردند. ● ۸۲/۱۰/۸

۱۸ روز بعد، مجدداً رهبر انقلاب، به‌صورت سرزده، و با لباسی مبدل، به بم رفته و در بازدید میدانی، از نزدیک در جریان کم و کیف کارهای انجام‌شده قرار گرفتند. بعضی از مردم که انتظار دیدن رهبر انقلاب، آن هم با آن شمایل ر نداشتند، هم تعجب کردند و هم از حضور ایشان، دلگرم و خوشحال شدند. همان روز، رهبر انقلاب در پاسخ به این سؤال خبرنگار صداوسیما که «با توجه به اینکه با فاصله‌ی نسبتاً کوتاهی مجدداً به بم بازگشتید، لطفاً علت آن را بفرمایید.» چنین گفتند: «من آن روز به آقایان هیأت دولت گفتم «فوق‌العادگی مسأله‌ی بم نباید فراموش شود»؛ اما روزنامه‌ها نوشتند «مسأله‌ی بم نباید فراموش شود»! معلوم است که مسأله‌ی بم فراموش نخواهد

■ **«کار فوق‌العاده»، برای حل مشکل مردم بم**
اما رهبر انقلاب به همین پیام اکتفا نکردند. سه روز بعد، خود مستقیماً وارد بم شده و «رو در رو»، با مردم مصیبت‌زده‌ی شهر به گفتگو نشستند و در دل‌های آنان را شنیدند. همان روز، رهبر انقلاب در جمع مردم بم، چنین

گفتند: «در این چند روز غالباً قلب من زیر فشار مصیبت و غم مردم بم قرار داشت و الان که وضعیت را دیده‌ام، خیلی بیشتر زیر فشار قرار دارد. همه‌ی ما وظیفه داریم، مسئولان در این جاب، در استان کرمان، در تهران و در همه‌ی مراکز دیگر کشور، طبق مدیریتت متمرکزی که تشکیل شده است و ان‌شاءالله تقویت باید شود،



شعارهای تبلیغاتی نامزدها را با واقعیات بسنجید

ده روایت کمتر شنیده شده از اقدامات رهبر انقلاب در فتنه ۸۸

مراقب باشید مردم رنجیده نشوند

شد. آنچه احتمال داشت فراموش شود و من سفارش کردم فراموش نشود، فوق‌العاده بودن این مسأله است. ما اصرار داریم که این مسأله در روال کارهای عادی قرار نگیرد؛ چون حادثه‌ی فوق‌العاده‌ای است و حتماً باید رسیدگی فوق‌العاده شود. ● ۸۲/۱۰/۲۶

■ **دوام جمهوری اسلامی، به مردمی بودن مسئولان است**
«آنچه ما به‌عنوان دولت اسلامی و حکومت اسلامی بایستی به‌طور دائم در نظر داشته باشیم این است که باید حکومت علوی را معیار خودمان قرار بدهیم، خودمان را با حکومت علوی بسنجیم؛ هر مقداری که بین ما و آن حکومت فاصله است، آن را عقب‌ماندگی به‌حساب بیاوریم... شاخص عمده در حکومت علوی، یکی عدالت است، یکی پارسایی و پاکدامنی است، یکی «مردمی بودن» و «با مردم بودن» است.» ۹۷/۶/۷ «جمهوری اسلامی - که از انقلاب اسلامی برخاسته است - یک واحدی است که داری دو بعد است: اسلامی بودن و مردمی بودن؛ هم اسلامی است، هم مردمی است، چون اسلامی است؛ چون اسلام دین جامعه است...» 📖 ۳

تفاوت از زمین تا آسمان | این شماره تقدیم می‌شود به روح مطهر شهید مسیحی آرمن آودیسیان*

در تهران شهدای ارمنی من خیال می‌کنم به نظر حدود ۷۰ تا ۸۰ شهید وجود دارد. یکی هست که در خیابان راه می‌رود و ماشین به او می‌زند آن مردن است یکی هست برای یک هدفی، یک هدف مقدسی حرکت می‌کند، اقدام می‌کند و می‌رود و کشته می‌شود این با آن از زمین تا آسمان فرق می‌کند. ● ۹۶/۱۰/۹

*شهید آرمن آودیسیان که راننده‌ی آمبولانس بود، در حال انتقال مجروح به بیمارستان، به همراه چند هم‌رمز مسلمان خود، در اثر اصابت راکت دشمن به شهادت رسید. رهبر انقلاب در تاریخ نهم دی‌ماه سال ۱۳۹۶ در منزل ایشان حضور یافتند و با خانواده‌ی این شهید بزرگوار دیدار کردند.

سخن ۸ هفته

اسلام یک دین مردمی است؛ یک دین مسئولیت عمومی است. «بنابراین اگر «مردمی بودن»، جزء جدایی‌ناپذیر جمهوری اسلامی است، این خصیصه می‌بایست همیشه و هر لحظه وجود داشته و تداوم پیدا کند.

پس اساساً یکی از کارکردهای مسئولین جمهوری اسلامی، حفظ «روحیه‌ی مردمی» و در کنار مردم بودن است. این روحیه، در زمانی که حوادث و بلاها اتفاق می‌افتد، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. مردم در حوادث و رخدادها، نیازمند «تکیه‌گاه» اند، تکیه‌گاهی که سر به شانه‌های آن بگذارند و حرف‌هایشان را بشنوند و هر کار که از دستش برمی‌آید، برای رفع مشکل و محنت آنان انجام دهد. تکیه‌گاه جامعه در زمان شدائد و حوادث، مسئولان و حاکمان آن کشورند. برای همین است که حضور مسئولان در کنار مردم حادثه‌دیده، علی‌رغم آنکه یک «وظیفه‌ی حادی» است، در نظام اسلامی، «وظیفه‌ی شرعی انسانی» نیز هست. مستثنی و تأکید رهبر انقلاب بر این موضوع از قدیم تا حال، آنچنان که در سطرهای فوق آمده نیز به همین دلیل بوده است. «روحیه‌ی مردمی بودن و انس با مردم، تماس با مردم، از نزدیک پای صحبت مردم نشستن؛ راه‌هایی باز کردن -خب ماها به حکم مسئولیت یک محصوربودن‌هایی داریم، یک محدودیت‌هایی داریم- که گذرگاهی باشد برای تماس با متن زندگی مردم. من به آقای رئیس‌جمهور هم چندبار تا حالا گفته‌ام که این سفرهای استانی خیلی چیز خوبی است، این یکی از آن کارهای بسیار مثبت است، به دولت‌های قبل هم همین سفارش را من همیشه می‌کردم؛ یکی از راه‌های است؛ رفتن به خانه‌ی مردم، رفتن منزل شهدا -که حالا الحمدلله این کار تا حدودی باب شده و کار خوبی است- راهی برای تماسهای گوناگون مردم؛ اینها خیلی مهم است. این کارها روحیه‌ی می‌کند و نگره می‌دارد. وقتی این نباشد، انسان از حال جامعه غافل می‌شود و همیشه نگاهش به کلیت است؛ مثل کسی که با هواپیما دارد از روی یک شهری عبور می‌کند؛ بله، کلیت شهر را انسان بهتر از کسی که پایین است می‌بیند، اما [اینکه] داخل این کوچه‌ها، داخل این خیابانها چه خبر است، داخل خانه‌ها چه خبر است، در مغازه‌ها چه [خبر] است، مراجعه‌کنندگان چه کسانی هستند، اینها را آن کسی می‌فهمد که برود در این کوچه‌ها راه برود؛ حالا همان مقدار محدودی که ممکن هست؛ مردمی بودن خیلی مهم است.» ۹۴/۶/۴ این روزها که مجدداً مردم عزیز و خونگرم خوزستان، درگیر حادثه‌ی سیل و آب‌گرفتگی هستند و بسیاری از خانه‌ها و خانواده‌ها، متحمل خسارت‌هایی شده‌اند، بر دولتمردان و مسئولان واجب است حداقل کاری که انجام می‌دهند این باشد که شخصاً در منطقه حضور یافته و از نزدیک، در جریان امور قرار بگیرند. کمترین فایده‌ی این کار، دلگرم شدن مردم و کاهش آلام ناشی از این حادثه است. مردم ایران هم البته نشان داده‌اند که قدران مسئولان مردمی خود هستند و تلاش آنان را قدر می‌نهند.

ده روایت کمتر شنیده شده از اقدامات رهبر انقلاب در فتنه ۸۸

مراقب باشید مردم رنجیده نشوند

حادثه‌ی فتنه‌ی ۸۸ علی‌رغم اینکه یکی از مقاطع استثنائی و حاوی نکات متعدد درس آموز در تاریخ انقلاب اسلامی است اما هنوز پیر از رویدادها و حوادث کمتر شنیده شده است. رهبر انقلاب در زمان وقوع این حادثه، مجموعه‌ی اقدامات متعددی انجام داده‌اند که بسیاری از آنها در رسانه‌ها منعکس نشده است. به همین علت، نشریه‌ی خط حزب‌الله به مناسبت فرارسیدن سالگرد حماسه‌ی نهم‌دی برخی از این رویدادها و مواضع را از کتاب «فتنه‌ی تغلب» مرور می‌کند.

۱ مطالبه رهبر انقلاب از نامزدها قبل و بعد از انتخابات ۸۸

به گفته‌ی برخی از مسئولین دفتر و نزدیکان رهبر انقلاب، ایشان بارها برای گرداندگان حوادث پس از انتخابات پیغام صریح دادند که مرزتان را با بیگانگان مشخص کنید. علاوه بر اینکه، رهبر انقلاب پیش از انتخابات از آقای موسوی خواسته بودند مراقب رفتارشان باشد که دشمنان ملت از آن سوءاستفاده نکنند؛ در همان ساعات اول پایان انتخابات نیز به او پیغام خصوصی دادند که «این را شما دارید شروع می‌کنید، اما نمی‌توانید تا آخر کنترل کنید؛ می‌آیند دیگران سوءاستفاده می‌کنند.» همچنین در ملاقات روز یکشنبه ۲۴ خرداد با یادآوری هشدار فوق، از او می‌پرسند چرا در برابر سوءاستفاده‌ی دشمن موضع نمی‌گیرید؟

۲ مرکزیت خارجی و استفاده از عوامل داخلی

در یکی از روزهایی که فتنه همچنان ادامه داشت، جلسه‌ای با حضور سران قوا و برخی دیگر از مسئولین مرتبط با موضوع، در حضور رهبر انقلاب تشکیل می‌شود. در این جلسه یکی از حاضران در جلسه که مواضع مناسبی نیز در آن ایام نداشت، از دو حزب و سازمان ساختار شکن و متحل شده نام می‌برد و می‌گوید: اینها مرکزیت حوادث پس از انتخابات هستند؛ اگر با اینها برخورد شود قضیه تمام می‌شود. رهبر انقلاب در پاسخ تأکید می‌کنند اینطور نیست که مرکزیت جریان مقابله با نظام، این دو حزب و سازمان باشند؛ اینها حداکثر می‌توانند پیاده نظام آن مرکزیت باشند؛ طراحی، خیلی ریشه‌دار تر از این بحث‌ها

است؛ بخش عمده‌ی این مرکزیت در خارج از کشور است؛ این مرکزیت توانست حرف‌های خود را از زبان بعضی چهره‌ها بزند، از زبان آقای ... از زبان آقای ... و تا حدودی از زبان آقای ...؛ این افراد و مجامع‌شان بلندگوی مرکزیت فوق شدند. اگر این افراد و گروه‌ها داخل کار نبودند مسائل تا این حد گسترش پیدا نمی‌کرد.

۳ حق ندارد خلاف بگوید

در شرایطی که بزرگ‌ترین دروغ تاریخ انقلاب به نام تقلب مطرح شده بود و فتنه‌ای خانمان سوز بخشی از جامعه و کشور را در بر گرفته و همه‌ی حساسیت‌ها متمرکز بر نفی فتنه‌گری‌ها بود، یکی از روزنامه‌ها علیه فتنه‌گران تیتیری را می‌زند که از خون خواهی‌ی از فتنه‌گران خبر می‌داد. هر چند این تیتیر برخی از افراد را خوشحال کرده بود، لیکن در فردای همان روز، رهبر انقلاب با اشاره به نادرست بودن این کارها تأکید می‌کنند شما باید مسائل را برای مردم تبیین کنید؛ دقیق حرف بزنید. نیازی نیست که اغراق شود و حرف‌های دروغ زده شود؛ این کارها بی‌برکتی می‌آورد.

۴ سؤال بی‌پاسخ رهبر انقلاب از یکی از چهره‌های مشهور

در همان روزهای نخست برافروخته شدن آتش فتنه، یکی از افراد مشهور نامه‌ای به رهبر انقلاب می‌نویسد و ادعاهایی را مطرح می‌کند از سنخ آنچه کم و بیش همان فرد و دوستانش در جامعه منتشر کرده بودند. رهبر انقلاب برای نویسنده پیام می‌دهند و از جمله او را در برابر این پرسش قرار می‌دهند که

مگر نمی‌گویید راهپیمایی ۲۵ خرداد راهپیمایی سکوت بود؛ چرا حمله به بسیج و تلاش برای تصرف آن و دستیابی به اسلحه‌های موجود در پایگاه را محکوم نکردید؟ چرا وقتی حمایت مقامات آمریکایی و صهیونیستی را دیدید، از آنها اعلام بی‌زاری نکردید؟ اگر فقط همین دو پرسش رهبری انقلاب را پاسخ می‌دادند، برادری‌شان را با انقلاب و مردم ثابت کرده بودند.

۵ بی‌توجهی به دستور رهبر انقلاب و فاجعه کهریزک

به گفته‌ی یکی از معاونین دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی، قبل از حادثه‌ی کهریزک گزارشی به رهبر انقلاب می‌دهند که وضع آنجا نامناسب است؛ ایشان دستور بررسی می‌دهند. این دستور، به دبیرخانه‌ی شورای عالی امنیت ملی و قوه‌ی قضائیه برای پیگیری‌ی رایج می‌شود. آقای مرتضوی دادستان وقت تهران مدعی می‌شود که ما بررسی کردیم، اینطور نبوده است؛ ولی بعدها کمیته‌ای که آقای وحیدی وزیر اسبق دفاع هم عضوش بوده، پس از بررسی موضوع اعلام می‌کنند وضعیت کهریزک نامناسب است. با این سابقه، پس از انتقال برخی از بازداشت‌شدگان تظاهرات ۱۸ تیر ۸۸ به کهریزک، وقتی آقا از موضوع مطلع می‌شوند، بلافاصله از طریق آقای حجازی به آقای جلیلی دبیر شورای عالی امنیت ملی پیغام می‌دهند: شنیدم عده‌ای در آنجا هستند، بگویید ولو اینکه جای دیگر هم برای نگهداری ندارند، همه را آزاد کنند.»

۶ آقای موسوی قبول کرده بود که راه، راه قانونی است اما...

در جلسه‌ای که رهبر انقلاب با اعضای ستادهای انتخاباتی

چهار نامزد انتخابات ۸۸ داشتند از توافقی که با میر حسین موسوی داشته‌اند خبر دادند: «من به آقای مهندس موسوی هم گفتم؛ ایشان هم قبول کرد از من که راه، راه قانونی است؛ از همان طریق قانونی مشی کنند، من هم قرص و محکم پشتش می‌ایستم. شما بدانید من با آقایان شورای نگهبان و با آقایان وزارت کشور رودریاستی ندارم؛ می‌ایستم پایش تا اینکه این قضیه حل بشود.» البته مهندس موسوی هیچ‌گاه به قولی که در این جلسه داده بود عمل نکرد.

۷ ماجرای موضع نگر فتنه یکی از مسئولین سابق کشور

مذاکراتی با یکی از مسببان حوادث پس از انتخابات و از مسئولین سابق کشور صورت گرفته بود تا نامبرده پشت سر آمان‌های ملت بایستد؛ او ابتدا این عذر را بازگو می‌کند که خود و دوستانش به گفتار و رفتار آقای احمدی‌نژاد همچنان معتزضند و نمی‌خواهند چنین تصور شود که اعتراضهای خود را پس گرفته‌اند. گفته می‌شود شما می‌توانید هر نظری در مورد عملکرد دولت داشته باشید و آن را در هر زمان و به هر نحو که لازم می‌دانید اعلام کنید؛ مطالبه‌ی اصلی از شما این است که به شعارهای قانون‌گرایی‌تان ملتزم باشید، از دخالت‌های بیگانگان و تشنج‌آفرینی‌ها اعلام تبری کنید و به اردو کشی‌های خیابانی پایان دهید. ابتدا این خواسته پذیرفته می‌شود و حتی او متنی را هم تهیه می‌کند اما به دلایل نامعلوم هیچگاه حاضر به انتشار آن نمی‌شود.

۸ از این طرف که منم راه کاروان باز است

آقای محمدرضا سننگری از اهالی فرهنگ و ادب خاطره‌ی شنیدنی از شب شعر سال ۸۸ نقل می‌کند. او می‌گوید در شب شعر سال ۸۸ که در اوج حوادث پس از انتخابات بودیم، یکی از دوستان شاعر از برخی دیگر از شعرا که موضع متفاوتی در رابطه با انتخابات پیدا کرده بودند نام آورد و به آقا گفت اینها فرزندان شما هستند و به شما علاقه دارند. در واکنش به این گفته، آقا لبه‌ی عیاشیان را بالا گرفتند و گفتند از این طرف که منم، راه کاروان باز است.

۹ تذکر رهبر انقلاب به فرماندهان نیروی انتظامی

در یکی از دیدارهای فرماندهی وقت و جمع محدودی از مسئولین نیروی انتظامی با رهبر انقلاب، ایشان چنین مطرح کردند که ما باید همیشه نیمه‌ی خالی لیوان را هم ببینیم و گزینه برنامهریزی برای پر کردن این نیمه نمی‌کنیم. نیروی انتظامی با هیچ‌کس از نیروهای نظامی قابل مقایسه نیست. در مرز، دشمن معلوم است و اطلاعات می‌تواند وضع آنها را معلوم بکند؛ لکن در تهران معلوم نیست دشمن کجا است چه می‌کند؛ باید شما مطلع باشید دشمن کجا است و با آگاهی دنبال او بروید. با دشمن به عنوان مخالف مردم مواجه شوید نه دشمن خودتان. اگر اینطور مواجه شدید، آن موقع مردم را از خود می‌دانید؛ و گزینه ممکن است چاقوی جراحی شما به جای بیرون کشیدن غده‌ی سرطانی، بخشی از غده را با بخشی از بدن جدا کند. طوری برخورد بکنید که مردم رنجیده نشوند. شناخت دشمن از دوست خیلی مهم است. مراقبت کنید که اتفاقات تلخ نیفتد. اقتدار نیروی انتظامی یکی از واجبات است و درستی عمل نیروی انتظامی هم یکی از واجبات است.

۱۰ بامجرم و غیر مجرم یک جور بر خورد نکنید

به گفته‌ی مسئولین وقت دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی، رهبر انقلاب در خصوص آنکه میان «مردم» و «اغتشاش‌گران» خلط صورت نگیرد، دغدغه‌ی وافر داشتند و سفارش اکیدشان به نیروهای حافظ امنیت این بود: «مواظب باشید با مجرم و غیر مجرم یک جور برخورد نکنید.» اما به رغم همه‌ی تدابیر و مراقبت‌ها و سفارش‌ها، پیامدهای ناشی از برخورد با برهم زندگان نظم و امنیت در جامعه موجب نشده بود که ذره‌ای از دغدغه و نگرانی رهبر انقلاب نسبت به آنچه در صحنه می‌گذرد کاسته شود؛ تا جایی که ایشان در جمع محدودی نقل می‌کنند: «بنده همان روزهایی که حوادث پس از انتخابات در جریان بوده مکرر التجاء کردم به پروردگار عالم، پناه بردم. چون بالاخره یک کسی کتک بخورد، یکجایی اش زخمی بشود، خونی ریخته بشود، واقعا برای من طاققت فرسا است. نماز حضرت صاحب‌الزمان خواندم، توسلات فراوان داشتم برای اینکه این چیزها پیش نیاید.»

